

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۶ می ۲۰۱۵

مجلس یازدهم (در شناخت خدا)

بامداد روز جمعه نوزدهم ماه شوال سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ عبدالقادر گیلانی (رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ) در مدرسه چنین فرمودند:

(یا قوم) خدای را بشناسید و از او غافل مباشید. اورا فرمانبرداری کنید و از نافرمانی به دور باشید. خواستههای خدا را گردن نهید و از مخالفت با امرش بپرهیزید.

خداوند را به آثار صنع بشناسید. اوست آفریدگار روزی رسان، اوست اول و آخر، ظاهر و باطن، اوست قدیم ازلی و ابدی، بر هر کاری اراده فرماید تواناست. «لایسال عما یفعل و هم یسالون» اوست توانگرکننده و درویش گرداننده، اوست زنده کننده و میراننده، اوست بازخواست کننده و پاداش دهنده، هم اوست که باید از عقابش ترسید و به الطافش امیدوار بود. پس از خدای بترسید نه غیروا، به خدا امیدوار باشید نه غیر خدا، خود را با قدرت و حکمتش سازگار سازید، تازمانی که قدرت (لطف و احسانش) بر عدلش ظفر یابد و ما را به عدل پاداش ندهد، بلکه مشمول احسان و الطاف خود گرداند.

از سیاهی غفلت به سپیدی شناخت آئید، تا پرده های میان شما و خدا کنار رود. از حدود شرع تجاوز نکنید، آنچه راکه معنی و واقعیت شرع است اجراء نمائید، نه صورت و ظاهر آن را، البته جز افراد معدودی از مردم بدین مرحله نمی رسند. مائیزی نداریم که از دایره شرع بیرون رویم. منتهی هر کس این رانمی داند، جز کسانی که به آن وارد شده اند، چون فقط به مجرد آگاهی مختصر به شناخت واقعی نخواهید رسید.

در تمام امور به رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) تاسی نمائید. کمر بسته در اجرای اوامر او حاضر باشید، و از آنچه نهی فرموده است خود داری کنید، خودداری کنید، تا فرمانروای مطلق شمارا به سوی او فراخواند، آنگاه به زیارت بشتابید.

ابدال را به این اعتبار ابدال گویند که آنان برخواست خدا هیچ چیزی نمی افزایند و در برابر خداوند از خود اختیاری ندارند. اول به ظاهر حکم می کنند و به ظاهر اعمال می پردازند. سپس ترقی می کنند و در این مرحله امر و نهی آنان زیاد می شود گرچه به ظاهر غایبند. بالاخره به جایی می رسند که در اجرای اوامر و خودداری از نهی، کوچکترین آداب شرع را فرو نمی گذارند، و هیچ گاه به خود اجازه نمی دهند که حتی یکی از حدود شرع را مهمل گذارند. چون ترک عبادات مفروضه کفر و زندقه می باشد. و ارتکاب محظورات معصیت و گناه است. هیچ گاه و در هیچ حالی فرایض از کسی ساقط نمی شود، بلکه هر چه بنده بیشتر احساس قرب کند بار مسئولیت او سنگینتر می گردد.

(یا غلام) به حکم و علم خدا عمل کن، عهد خود را فراموش مکن و از حد شرع تجاوز منما، بانفس و شیطان اندرون مبارزه کن، از لطف خداوند ناامید مباش، زیرا خداهمواره ثابت قدمان ریاری می فرماید. خداوند بزرگ فرموده: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (خداوند باشکیبایان است). و باز فرموده: «فَأَنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (همانا حزب خدا پیروز است).

وباز فرموده: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا نَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا» (کسانی که در راه ماکوشش کند ما آنها را به راه خود هدایت می کنیم).

زبان خود را از شکوه و شکایت در نزد خلق نگهدار، برای رضای خدا با کسانی که خلاف امر خداوند عمل می کنند دشمن باش. مردم را به بندگی خدا و دوری از معصیت فراخوان. آنان را از پیروی نفس و ایجاد بدعت بر حذر مدار، و به پیروی از کتاب و سنت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) ترغیبشان نما.

(یا قوم) احترام کتاب خدا را محفوظ بدارید و بدان عمل نمائید، چه قرآن و سبیل پیوستگی شما به خدای عزوجل است. آن را مخلوق ندانید. خداوند متعال خود فرموده است: این کلام من است. شما می گوئید، نه! کسی که قول خدا را انکار کند و قرآن را مخلوق بداند، کافر است، قرآن از او بیزار. این قرآن خوانده می شود، شنیده می شود، در مصاحف نوشته می شود. امام شافعی و امام احمد حنبل (رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا) می گویند: قلم مخلوق است، نوشته هم مخلوق است، قلب هم مخلوق است، اما آنچه نوشته می شود و در دل جای می گیرد غیر مخلوق می باشد (۱).

(یا قوم) مسائل منقول را باید توسط عقل سنجید، و مسائل نص و صریح را نباید باقیاس ردنمود. در رفع دعوی گواه را از نظر دور ندارید و فقط به مجرد دعوا حکم ندهید. مال مردم را بدون گواه و بینه ای درست نمی توان گرفت. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «أَخُوفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ مُنَافِقِ عَلِيمِ اللِّسَانِ» (هولناکترین چیزی که من به خاطر اتمم می ترسم، دوروی زبان آواست).

ای دانشمندان، ای نادانان، ای حاضرین، ای غائبین، از خدای شرم داشته باشید. بدلهای خود بنگرید، به سوی خدا بگردید و در برابر او فروتن باشید. زیر ضربات مقدرات خود را به صبر و شکیبائی عادت دهید. و در هنگام نعمت، سپاس آن را به جای آورید. در بندگی خدا، روز را به شب آرید. هرگاه این مسأله برای شما تحقق پیدا کرد، از سوی خداوند نیز بزرگی و اعزاز دنیا و آخرت به شما روی می آورد.

(یا غلام) تلاش کن تا در دنیا به چیزی چنان دلبستگی پیدا کنی که ترا از یاد خدا غافل کند. هرگاه این حالت برای تو پیداشد، دیگر ترا به اختیار نفس و انمی گذارد، هر وقت دچار فراموشی شوی، آگاهی می نماید، و هر وقت به خواب غفلت رفتی بیدار می کند. اجازه نمی دهد جز به خدا، به کسی توجه کنی. هر آنکس لذت این حالت را چشید، خدا را می شناسد. اما این تنها معدودی از افراد هستند که دلبستگی به خلق رانمی پذیرند. ای دو رویان، آفات و بلاها بر دلها پتان سایه افکنده است.

قومی که بادیده باطن جز به خدا به کسی نمی نگرند، آرامش روحی خود را در آن یافته اند. راحت و آسایش را در جوار حق می دانند. زبان اعتراض این قوم کوتاه است. شبها و روزها و ماه و سال می گذرد و آنان در همین حال ثابت و پایدارند. آنان عاقلترین مردمانند. هرگاه آنها را ببینی تصور خواهی کرد دیوانگانند و می گوئی آیا اینان گرویدگان به حقتند؟ آنان اندوهگنان و دلشکستگان راه خدایند. و همواره ترسان از عقاب. هرگاه نقاب جلال و عظمت الهی از دلها پشان برداشته شود بیم و خوف آنان بیشتر می گردد، گوئی که قلوبشان گسیخته می شود، و بندبند بدنشان از هم جدا می گردد. هرگاه خداوند متعال اینان را در آن حال مشاهده فرمود، آنگاه درهای رحمت و بزرگی خود را به رویشان می گشاید و آنان را به آرامش خاطر می رساند.

چه اندازه دوست دارم که به چهره دنیا دوستان و آخرت طلبان بنگرم، برای دنیا دوستان و هواپرستان چکاری می توانم بکنم، جز این که در فکر مداوای آنانم، زیرا آنها بیمارند و غیر از طبیب کسی بر مداوا و معالجه مریض صبر ندارد.

شگفتا! تو به زعم خود راز درونیت را از من پنهان می داری، اما آن نزد من آشکار است. می دانم طالب دنیائی یا خواهان آخرت. این رازی است در اندرون و ولی آثار آن بر پیشانی تو هویدا است. در هم و دیناری که در دست داری ناروا و بی ارزش است و در آن دانگی طلا و بقیه نقره است، من بسیاری از این سکه های قلب و ناسره را دیده ام، آن را به من

تسلیم کن تادرقالبش ریزم وخالص وناخالص را برایت معلوم و جدا کنم، زیرا خوب اندک از بد بسیار بهتر است. دنیا وافکار و اندیشه ات را در اختیار من بگذار، چرا که من صراف و صیرفی اینکارم، مطمئن باش وسیله ای را در اختیار دارم که خالص و ناخالص آن را جدا می کنم. آن وسیله چیست؟ توبه، از ریا و نفاق توبه کن، و از اقرار به آن شرمنده مباش، چون غالب مخلصین همان کسانی بوده اند که پیش از توبه، منافق بوده اند و به مدد توبه به مرحله اخلاص رسیدند. با توجه به این قضیه است که یکی از بزرگان می فرماید: «جز ریاکار اخلاص واقعی رانمی شناسد» بسیار نادرست کسی که در آغاز و انجام صادق و مخلص باشد. کودکان را مثل می زخم، ابتداء با خاک و چیزهای کثیف بازی می کنند، دروغ می گویند، خود را به خطر می اندازند، از پدر و مادر دزدی می کنند، ولی چون رفته رفته رشد یافتند از پدران و مادران و آموزگاران سرمشق می گیرند و اگر لطف خداوند متعال شامل حالشان گردد از آنچه بوده اند، به دور می شوند. اما اگر مشمول عنایت حق نشوند، در همان حال باقی می مانند.

خدای متعال درد و دوا را آفریده است. گناه درداست و طاعت دوا، ستمگری درداست و دادگری دوا، خطا درد و صواب دوا، مخالفت اوامر حق درد و توبه از گناهان دوا می باشد. اگر می خواهی دوی تمام این دردها را بیایی، باید قلباً از دست نیاز به سوی خلق برداشتن چشم پوشی کنی، و به خدا روی آوری. آنگاه است که روح به آسمانها پرواز می کند، در حالی که خود خانه و کاشانه ات در زمین است.

دلت را خالصانه در خدمت حق قرار بده و با خلق در عمل مشارکت نما، و در اجرای احکام شرعی با آنان مخالفت مکن، تا این که از جانب خدا و خلق بر تو حجتی باقی نماند. با قلب و باطن به خدا برگرد و به ظاهر نیز در رعایت اوامر شرع با خلق همراهی کن. نفس خود را تحت اراده بگیر و مگذار بر تو چیره شود، اگر کوچکترین غفلتی نمائی زمینگیرت می کند. اگر در اطاعت خداوند از دستورات سرپیچی کردی او را با تازیانه گرسنگی و تشنگی، خواری، عریانی و خلوت و تنهایی ادب نما. این تازیانه را از روی سر او بردار، تا زمانی که اطمینان حاصل کنی که در اطاعت خدای قرار گرفته است، و غرورش در اجرای اوامر حق شکسته شده. وقتی نفست بدین مرحله اطمینان واصل شد، آنگاه ظاهر و باطن تویی می شود، سراپا موافقت می گردی به دور از هرگونه مخالفتی. و طاعت بدون معصیت، شکر بدون کفر، شعار و روش تو می گردد. ذکر بدون فراموشی و خیر بدون شرنصیب می شود. اما بدان، مادام که جز یاد خداوند در قلبت چیز دیگری باقی مانده باشد، رستگاری کامل را نخواهی یافت.

اگر هزار سال خدای را بر ریگ داغ سجده کنی، ولی قلبت متوجه دیگری باشد، این سجده هزار ساله به توستودی نمی رساند. کسی که مهر غیر مولا را در دل بپروراند، به جانی نمی رسد، مگر این که تمام علایق را از دل بیرون کند. اظهار زهد از دنیا چه نفعی به تو می دهد، در حالی که در باطن بدان علاقه مندی، مگر نمی دانی خداوند متعال از دل بندگان آگاه است؟! آیا از این که به زبان متوکل بر خدائی و در دل غیر این را طالبی، شرمنده نیستی؟

(یا غلام) به حلم خدا مغرور مباش، بدان که عذاب الهی سخت و دردناک است. به گفتار این علمائی که نسبت به شناخت و معرفت واقعی خداوند جاهلند!، فریب مخور. تمام علم آنان به ضررشان است، و از آن سودی متوجهشان نمی گردد. آنان احکام خدای رامی دانند، ولی خدا رانمی شناسند، مردم را به انجام اعمال حسنه امر می کنند، اما خود عامل نیستند، دیگران را از ارتکاب گناهان باز می دارند، ولی خود مرتکب گناه می شوند. مردم را به سوی خدا می خوانند و خود از خدا به دورند. با خداوند در انجام معاصی مبارزه می کنند. نام آنان نزد من نوشته شده و موجود است.

خداوند! توبه من و آنان را بپذیر و ما را به رسول گرامی ات، و به اب الانبیاء، ابراهیم خلیل ببخش. خداوند! بعضی از ما را بر بعضی دیگر چیره مگردان و همه را به یکدیگر بهره مند گردان، و در جوار رحمت خود جای ده. آمین